

نظریه‌ی ارتباط جمهوری اسلامی و کاخ سفید

چند روز پیش (۲۲ ژوئن ۲۰۰۸) کریستیان هوفمن (Christiane Hoffmann) روزنامه‌نگار ۴۱ ساله‌ای که از تجربه‌های خود در مدتی که به عنوان همسر سفیر سوئیس در ایران بود، کتابی با عنوان "پشت حجاب ایران" انتشار داده است) در مصاحبه‌ای با خبرگزاری آلمان، با ذکر این که چپ‌ها و مارکسیست‌های فعال در ایران از چند گروه کوچک تجاوز نمی‌کنند، گفت: «رژیم ایران چشم بر روی واقعیات می‌بندد و ایرانی‌ها، رژیم را نادیده می‌گیرند. حکومت جمهوری اسلامی، از سر دشمنی آمریکا از چنان ثباتی برخوردار است که هرگز در غیر این صورت، نمی‌توانست به‌دست آورد. ... احساس می‌کند که این حالت در آخر خط بودن، می‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند!» در ادامه متن، مقاله‌ای را که درباره روبنای و زیربنای دشمنی ایران و آمریکا حدود سه ماه پیش (فروردین ۸۷) نوشته بودم، منتشر می‌شود.

علی همتی

مثالث

« ایران، اسرائیل، آمریکا »

نظریه ی ارتباط جمهوری اسلامی با کاخ سفید، دستکم از زمانی که جمهوری اسلامی با گروگان‌گیری کارکنان سفارت ایالات متحده در ایران، به پیروزی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری تأثیر گذاشت، این شبهه ایجاد شد که آیا این اتفاقات و همزمانی‌ها، حادثه است؟ دیپلمات‌های آمریکایی در نوامبر ۱۹۷۹ گروگان گرفته شدند. ادامه ی این ماجرا آسیب جدی به توانایی حزب دموکرات و جیمی کارتر وارد کرد! او کوشید از طریق درخواست‌های عمومی، فشارهای اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌های ایران، قطع روابط دیپلماتیک، درخواست‌های پیاپی برای آزادی گروگان‌ها و... آن بحران را حل کند، که ناکام ماند! آن گروگان‌ها ۴۴۴ روز در اسارت بودند تا در نهایت در ژانویه ۱۹۸۱ کمی پس از پیروزی حزب جمهوری خواه و رونالد ریگان، آزادی خود را به دست آوردند. البته این ماجرا را تنها به عنوان تاریخ احتمالی برای شروع بدگمانی نسبت به ارتباط کاخ سفید با جمهوری اسلامی ذکر کردم.

همواره شاهد سورپریزهایی از ایران بوده‌ایم که کاخ سفید به آن در سیاست خارجی یا داخلی ایالات متحده نیاز داشته است! در طرف دیگر، شاهد کمک‌های غرب در حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی نیز بوده‌ایم. در این باره در

بحث‌های گوناگون، هذیان‌های عاقلانه، هرچند عجیب اما امکان‌پذیر شنیده‌ایم! حتی درباره‌ی اثر رسانه‌های خارجی (برای مثال رادیو بی‌بی‌سی) در خط سیر انقلاب بهمن ایران! یکی از دیگر نمونه‌های آن، که ملموس‌تر نیز هست، فعالیت‌های رسانه‌های خارجی و سخن رانی سیاست‌مداران غربی قبل و بعد از هر دوره انتخابات در ایران است! این فعالیت‌ها (طرد دیپلماتیک، تحریمات اقتصادی، حضور ابدی ناوهای هواپیمابر آمریکایی در خلیج فارس و سخن رانی‌های تند) به جمهوری اسلامی امکان ایجاد تعصب و احساسات شوونیزم در جامعه را می‌دهد! یعنی جمهوری اسلامی از تهدیدهای دشمن خود یا شیطان بزرگ بهره‌جسته و برای آن چه می‌خواهد در داخل کشور انجام دهد (هم‌چنین شرکت در انتخابات) حمایت‌های لازم را بسیج می‌کند! هم‌چنین حکومت ایران همواره مطلوب خود را به‌عنوان واقعیت جلوه می‌دهد. برنامه‌ی هسته‌ای را اولویت ملی نامیده و آن را به محور اصلی سیاست داخلی تبدیل می‌کند! درحالی‌که اقتصاد کشور دوران خوشی را پشت سر نمی‌گذارد، رهبر جمهوری اسلامی به مردم کشور پیروزی بر قدرت‌های جهانی در بحث هسته‌ای را تبریک می‌گوید! تحریمات ملایم برای جمهوری اسلامی این امکان را فراهم می‌کند که پیروزی ایران را اعلام کند! حمایت جمهوری اسلامی از حزب‌الله لبنان، حماس و سخن رانی در مورد صدور انقلاب اسلامی، رهبری جهان به‌همراه سخن رانی‌های غرب به شکل پینگ‌پنگی و... این امکان را به جمهوری اسلامی داده است تا برای مثال سفیر ایران در سوریه در آستانه‌ی برگزاری اجلاس سران کشورهای عربی به‌گوید: «ایران از نظر سیاسی و اقتصادی یکی از مقتدرترین کشورهای اسلامی است و کشورهای عربی با برقراری روابط مستحکم با تهران

می‌توانند نفوذ بیشتری بر سیاست بین‌المللی داشته و همچنین مسائل مختلف را ضمن کمک به یک دیگر حل کنند.»

شورای امنیت سازمان ملل متحد قطع نامه ی سوم علیه ایران را تصویب کرده است، در این حال، توافق نامه درازمدت برای عرضه ی گاز طبیعی ایران به اروپا (کمپانی سوئیسی دولتی EGL Group) امضاء شد و این توافق نامه برای ۲۵ سال بوده و بهای تقریبی آن می‌تواند به ۲۲ میلیارد یورو به رسد. قابل ذکر است که وزیر خارجه سوئیس در مراسم عقد قرارداد کمپانی سوئیسی با ایران حضور داشته است! مقامات سوئیس از انعقاد آن حمایت کرده و اعلام کردند که هم کاری با جمهوری اسلامی تنها به عرصه گازی محدود نمی‌شود. یک کمپانی اتریشی نیز (EconGas GmbH) که تحت کنترل OMV است) به تازگی اعلام کرد که آماده آغاز خریداری گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۱۳ است. همکاری‌های غرب و ایران نیز گاه مخفی بوده است؛ مانند ماجرای خرید سلاح با واسطه از آمریکا در دوران جنگ ایران-عراق. این دشمنی میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده به هر دو دولت کمک می‌کند! مردم در آمریکا اگر احساس کنند که جاسوسان یا افراطی‌های مذهبی در میان‌شان می‌لوند، نگران شده و می‌پذیرند که تنها از دولت اطاعت کرده و نگران چیز دیگری نباشند! دولت ایالات متحده نیز نیاز دارد که مردم را به ترساند و در نتیجه کارهای خود را در پرده‌ای از اسرار می‌پوشاند!

یک نمونه دیگر از سورپریزهای جمهوری اسلامی، طرح سپر موشکی واشنگتن در اروپا جهت دفاع از منافع واشنگتن در برابر حملات احتمالی موشکی بود! استقرار پایگاه راداری آمریکا در خاک جمهوری چک، با مخالفت شدید احزاب چپ و مردم این کشور مواجه شده است! آمریکا نمی‌توانست

روسیه، چک و لهستان را متقاعد کند که ایران دلیل سپر ضد موشکی است! ناگهان موشک بالستیک کاوشگر-۱ پرتاب شد! در اعلامیه‌ی وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان شده است که فناوری‌ها و امکانات لازم برای انتقال دستگاه فضایی به مدار، می‌توانند در ساخت موشک بالستیک بین‌قاره‌ای مجهز به کلاهک هسته‌ای استفاده شوند. با این که ولادیمیر بلانوس (کارشناس مرکز امنیتی انستیتو اقتصاد جهانی و روابط بین‌المللی آکادمی علوم روسیه) توضیح داد که «از موشک کاوشگر-۱ با پرواز عمودی آن نمی‌توان به عنوان حامل مهمات هسته‌ای استفاده کرد! و برای این توان موتور کافی نیست» اما نمایندگان کاخ سفید بلافاصله خاطر نشان کردند که تهدید ناشی از ایران، دلیل ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی در چک و لهستان است (روسیه با این حرف مخالف است). ایالات متحده به دنبال هر امکانی است تا نشان دهد که پایگاه‌های دفاع ضد موشکی در اروپا برای آنان به منظور دفاع در برابر ایران مورد نیاز هستند و این ایران بود که برگ برنده‌ای به آن‌ها داده است! اکنون برای روسیه دشوارتر خواهد بود که لهستان و چک را متقاعد کند که از استقرار پایگاه‌های امریکایی در خاک خود امتناع ورزند! رئیس‌جمهور آمریکا در حاشیه‌ی نشست سران ناتو در بخارست بار دیگر ایران را تهدیدی برای امنیت کشورهای منطقه خوانده است و استقرار سیستم دفاع موشکی را برای مقابله با آن چه «تهدید واقعی و فوری کشورهایی مانند ایران» عنوان شده ضروری دانست. در طرف دیگر، فرمانده سپاه پاسداران (محمدعلی جعفری) ابراز امیدواری کرد ایران در سال ۸۷ شاهد دست‌آوردهای بزرگی از جمله صنایع دریایی و پدافند هوایی و علاوه بر آن، در زمینه‌ی صنایع موشکی باشد.

جمهوری اسلامی راه قدرت‌نمایی را (درست در زمانی که روابط جامعه‌جهانی نسبت بدان بحث برانگیز است) بیهوده طی نمی‌کند! این اشتباه غم‌انگیز دولت ایران نیست! بل که این تنها سورپریز ناخوشایندی برای مسکو است که آنان را در وضعیتی دشوار قرار می‌دهد و برگ‌های برنده‌ای پیاپی در اختیار کاخ سفید قرار می‌دهد! یکی از همکاری‌های مخفی امریکا با ایران اقدام رونالد ریگان به فروش اسلحه به ایران بود که چندین ماه بعد قضیه لو رفت و رسوایی مک‌فارلین به وجود آمد! به نقل از صفحه ۱۳۴ دایرةالمعارف انقلاب اسلامی (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی) ریگان در سخن رانی تلویزیونی چنین گفته است: «اکنون هیجده ماه است که در طی یک ابتکار سیاسی محرمانه، ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده‌ایم ... بدون همکاری ایران، قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد.»

اما از آنجایی که هزینه ی نظامی، روش متداول ایالات‌متحده برای مدیریت صنعتی است، این مقاله، نقش ایران در خاورمیانه، نه آوردن صلح، که دامن زدن بر آتش می‌داند! یکی از بحث‌برانگیزترین فعالیت‌های جمهوری اسلامی، درباره ی فلسطین و اسرائیل است!

آقای محمود احمدی‌نژاد که با استفاده از مثال‌ها و استعاره‌های عجیب (مانند مقایسه با فهم و شعور بزغاله، اشاره به انشای کودک محصل به عنوان نوشته‌ی بی‌ارزش، استفاده از لغت معلول ذهنی به عنوان چیز زننده و...) در حال کسب شهرت جهانی است، در چهارم آبان ماه سال ۸۴ در کنفرانسی با نام کنفرانس حمایت از فلسطینی‌ها که در تهران برگزار شد، موجودیت کشور اسرائیل و همچنین مسأله ی هولوکاست را زیر سوال برد. وی در سخنانش از

تغییر رژیم اسرائیل سخن گفت و این عبارت را به کار برد: «جهان بدون اسرائیل امن‌تر خواهد بود!» البته آقای احمدی‌نژاد در مصاحبه با کانال France ۲۴ گفته است که ما خواهان محو اسرائیل با برگزاری فراندوم بین تمامی ساکنان آن منطقه و فلسطینیان هستیم. اما ایشان در ادامه در مورد حقیقت داشتن واقعه هولوکاست ابراز تردید کردند و کشتار میلیون‌ها یهودی در جنگ جهانی دوم را افسانه دانستند. پس از سمینار دولتی «جهان بدون صهیونیسم» کنفرانسی مانند آن با موضوع هولوکاست در تهران برگزار شد! پس از برگزاری همایش بررسی واقعه هولوکاست در تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه که بازوی پژوهشی این وزارت خانه است، با تحریم ده‌ها مؤسسه‌ی مطالعاتی رو به رو شد و منجر به اعتراض رسمی اتحادیه‌ی اروپا گردید. تشکیک در واقعه‌ی هولوکاست، فرصتی برای دولت اسرائیل در غیر منطقی جلوه دادن دولت ایران به وجود آورد. مانند نتیجه‌ی فعالیت گروه‌های افراطی مذهبی که به لو‌شدن آرمان فلسطین انجامید! رئیس‌جمهوری ایران نیز بارها خواهان محو و نابودی اسرائیل از روی نقشه جهان شدند. بارها مشابه این جملات «نابودی اسرائیل» و «محو آن از روی زمین» از زبان دیگر مسئولان بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی گفته شد. لازم توجه است که ایشان بررسی واقعه هولوکاست را به محققان، مورخان، پژوهش‌گران یا افسانه‌شناسان نسپرد و مانند آن که آن را محور اصلی سیاست خارجی کرده باشند، مانند برنامه‌ی هسته‌ای، آن را در بالای اولویت‌های خود قرار داده است!

می‌بینیم که فلسطین برای ایران، اسرائیل برای ایالات‌متحده اهمیت زیادی دارد. تهران به حمایت از حزب‌الله ادامه می‌دهد که به نوبه خود تهدیدی برای

اسرائیل بوده و لبنان را بی ثبات می کند (مانند جنگ اسرائیل و حزب الله لبنان در ۲۰۰۶ میلادی). تجهیز حزب الله از طریق سوریه انجام می شود. اما دلیل آن چیست؟! «در هر جامعه ای چیزهایی هست که مردم فکرشان را با آنها مشغول می کنند. به طور معمول، اکثریت مردم به صورت خیلی جدی درگیر سیاست نمی شوند، کاری که آنها می کنند این است که فکرشان را در جای دیگری مشغول می کنند مانند ورزش! این یکی از دلایلی است که ورزش های پرتماشچی تا این درجه مورد حمایت نهادهای غالب است! سریال های آبکی تلویزیون نیز همین گونه اثر را اما در زمینه دیگری به جای می گذارند» اما چیزهای دیگری نیز لازم است که ذهن مردم را مشغول کند؛ یکی از نظریه هایی که در جواب سؤال دلیل اهمیت فلسطین در سیاست خارجی ایران گفته می شود این است که جمهوری اسلامی نیاز به آن دارد که توجه بیشتر مردم داخل قلمرو خود را به خارج از کشور جلب کند، تا با نشان دادن آنچه که در کرانه ی باختری یا نوار غزه رخ می دهد، ذهن آنان را به خود مشغول کند! (موافقان این نظریه به اهمیت قطع برق در نوار غزه در نشریات ایران، همزمان با نبود گاز و برق بر اثر سرما و مدیریت ضعیف در کشور اشاره می کنند!) جمهوری اسلامی از این امکان همچنین برای بسیج حمایت های مردمی لازم (مانند شرکت در تظاهرات، انتخابات، پشتیبانی و...) استفاده می کند. گروه دیگری نظرشان بر این است که تنش ایران - اسرائیل اثر بسیار پررنگی بر فروش سلاح در جهان سوم دارد! این حقیقت است که ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد به صورت بزرگترین فروشنده ی اسلحه به جهان سوم درآمد!

می‌رسم به ارزش اسرائیل برای امریکا (همچنین ارزش امریکا برای اسرائیل). نوآچامسکی از آن رو که یک سوسیالیست غیرمارکسیست است، دیدگاه‌های وی گه‌گاه با دیدگاه ما اختلاف دارد، اما در مقاله‌هایم از نوشته‌های او استفاده می‌کنم چرا که او در نوشته‌هایش از مدارکی که اکنون در ایالات متحده در دسترس است ولی برای ما در ایران ناشناخته باقی مانده است، استفاده می‌کند. پس در ادامه بحث از نوشته‌های چامسکی استفاده خواهیم کرد. اجازه دهید که کمی به عقب برگردیم: سادات (رئیس جمهور مصر) در ۱۹۷۱ پیشنهادی برای صلح به اسرائیل ارائه داد که یک معاهده کامل صلح و برپایه‌ی قطع نامه‌ی ۲۴۲ سازمان ملل متحد بود (که خواهان بازگشت به مرزهای پیش از ژوئن ۱۹۶۷ در منطقه و تضمین‌های امنیتی بود) اسرائیل و ایالات متحده آن پیشنهاد را رد کردند و منتفی گردید. در ژانویه‌ی ۱۹۷۶ سوریه، اردن و مصر بر مبنای قطع نامه شورای امنیت سازمان ملل، پیشنهادی مبنی بر ایجاد دو کشور ارائه دادند، و سازمان آزادی‌بخش فلسطین از آن حمایت کرد (این پیشنهاد متضمن تضمین‌های ارضی بود که اهمیت زیادی داشت) ایالات متحده آن را نیز وتو کرد! این پیشنهادات از خاطره‌ها محو شدند! (قابل ذکر است که نشریات در امریکا از چاپ نامه‌هایی که به این پیشنهادات اشاره کند، جلوگیری می‌کنند) در سال ۱۹۷۱ تمام سفیران ایالات متحده در خاورمیانه به کیسینجر هشدار دادند که اگر امریکا جلوی همه‌گزینه‌های دیپلماتیک برای حل مخمصه را به گیرد، جنگ در خواهد گرفت! خودداری امریکا موجب بروز جنگ ۱۹۷۳ شد! پس از آن بود که کیسینجر تصمیم گرفت که خواسته قدیمی مصر را که دست‌نشانده‌ی امریکا شود به پذیرد! و از آن مقطع بود که سادات نیز مانند شاه‌حسین اردنی به یک

«میان‌ه‌رو» تبدیل شد زیرا از روسیه به سوی امریکا چرخیده بود (برای آشنایی با سایر میان‌ه‌رو ها به مقاله "ضوابط اصطلاحات مقالات سیاسی در ایالات متحده" مراجعه کنید) در نتیجه مصر دومین دریافت‌کننده ی کمک‌های امریکا (البته بسیار عقب‌تر از اسرائیل) شد. گفته می‌شود که به این شکل مصر از معرکه بیرون کشیده شد و دست آورد آن، روند صلح کمپ‌دیوید بود: اسرائیل را قادر ساخت که سرزمین‌های اشغالی را یک‌پارچه کند و بدون مزاحمت مصر، به لبنان حمله کند. در دسامبر سال ۱۹۹۰ و در ادامه رأی‌گیری سالانه سازمان ملل در زمینه ی فلسطین نتیجه مثل قبل از آن، ۱۴۴ رأی به ۲ رأی امریکا و اسرائیل برای رد شناسایی حقوق ملی فلسطین به پایان رسید. امریکا در سال ۱۹۹۱ پس از جنگ خلیج فارس، با خروج اتحاد شوروی از بازی، در یک موضع عالی قرار گرفت تا برنامه عدم پذیرش حقوق فلسطینی‌ها را با زور پیاده کند؛ در نتیجه اقدام به تشکیل کنفرانس مادرید کرد و آن را اداره کرد تا در نهایت، امریکا و اسرائیل در ۱۹۹۴ در مبارزه بیست‌ساله ی خود (که ایالات‌متحده جلوی هر ابتکار دیپلماتیک بین‌المللی را در آن مدت بیست ساله گرفته بود) برای عدم پذیرش حقوق ملی فلسطین، با امضای توافق‌نامه اسلو برنده شدند!

اما می‌رسیم به نقش اسرائیل برای ایالات‌متحده و کاخ سفید! اسرائیل یکی از پایه‌های اصلی برای کنترل خاورمیانه و موهبت استراتژیک نظامی است. برای مثال اسرائیل در دهه ۱۹۶۰ با استفاده از کمک‌های مالی بسیار زیاد سیا، به‌عنوان واسطه برای دخالت در امور کشورهای آفریقای سیاه مورد استفاده قرار گرفت! در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و در زمانی که ایالات‌متحده نمی‌توانست به دیکتاتورهای جهان سوم به طور مستقیم کمک به رساند،

اسرائیل به آن‌ها کامپیوتر، آموزش، اسلحه و سایر چیزها ارائه می‌کرد! اسرائیل سال‌ها به عنوان رابط اصلی امریکا با ارتش آفریقای جنوبی عمل کرد و این نقش را تا زمان تحریم ادامه داد (زمانی که شورای امنیت سازمان ملل یک تحریم اجباری برای ورود اسلحه به آفریقای جنوبی اعمال کرده بود) در مقابل، اسرائیل از کمک‌های بسیار زیاد امریکا برخوردار می‌شود. اما کل این نظام تنها زمانی کارآیی دارد که اسرائیل غرق در مشکلات باقی به ماند. در غیر این صورت، اسرائیل می‌شود مانند سوئیس و لوکزامبورگ! زمانی که اسرائیل در بحران یا ناامنی باشد، ابزاری در خدمت ایالات‌متحده باقی می‌ماند! از دیگر خدمات اسرائیل، می‌توان به کمک در کنترل بهای نفت و ابزاری برای مقابله با ناسیونالیسم عرب و شرکت در رأی‌گیری به‌نفع ایالات‌متحده در سازمان ملل متحد اشاره کرد. همچنین زمانی که امریکا نمی‌توانست درگیر کشتار مردم در گواتمالا شود، اسرائیل این نقش را بازی کرد!

پس دیدیم که ارزش اسرائیل برای امریکا بستگی به این موقعیت دارد که اسرائیل در تهدید نابودی به سر به برد! در این حالت است که اسرائیل برای بقای خود به امریکا متکی است و از این‌رو ایالات‌متحده می‌تواند به آن اعتماد کند! چرا که اسرائیل می‌داند اگر در یک وضعیت برخورد و کشمکش واقعی، امریکا زیر پای او را خالی کند، او نابود خواهد شد! در تاریخ می‌بینیم که ایالات‌متحده هر حرکتی را که در جهت حل اختلافات سیاسی در خاورمیانه پیش آمده، متوقف کرده و چنین اقداماتی را در شورای امنیت سازمان ملل و تو کرده است! تا چندی پیش خط رسمی در امریکا این بود که «عرب‌ها می‌خواهند همه یهودیان را بکشند و به دریا به ریزند» و کسی در جراید و

محافل علمی از آن خط منحرف نمی‌شد! و حالا با بالا گرفتن تلاش جهانی برای رسیدن به صلح، خواهیم دید که نقش جمهوری اسلامی پررنگ شده است.

وظیفه‌ی پیشرو و روشن فکر انقلابی

پیش‌بینی می‌شود که حتی اگر پیمان آمریکا و چک و لهستان درباره‌ی سکوهای شلیک و پایگاه راداری ایالات متحده به امضاء رسد، بدون همکاری ایران، مقامات کشور چک برای کاهش مخالفت‌های مردمی با این پیمان موفق نخواهند شد! در این مقاله دلیل آغاز و ادامه یافتن این جنگ زرگری شرح داده شد، اما از مارکسیست‌ها و روشن‌فکران انقلابی به‌همراه کارگران ایران انتظار می‌رود که فریب این جنگ زرگری (دشمنی ظاهری دولت ایران و ایالات‌متحده) را نخورده و خود برای آگاهی مردمی که دچار این توهم هستند، فعالیت کنند؛ توهمی که بعضی از شبکه‌های خارجی و داخلی تلاش به دامن زدن آن می‌کنند. در این میان لازم است که گوشه‌ای از نوشته‌ی "سیستم تبلیغاتی و شستشوی مغزی در ایالات متحده آمریکا" را یادآوری کنم: «سیاست‌های حاکم بر شبکه VOA سیاست‌های حکومت آمریکا می‌باشد! بودجه‌ی سال ۲۰۰۶ صدای آمریکا ۱۶۶ میلیون دلار بوده است. در بند ۳ منشور سایت این رسانه آمده است که VOA سیاست‌های ایالت‌های متحد آمریکا را به‌نحو روشن و قاطع ارایه می‌کند؛ و نیز بر اساس این سیاست‌ها، گفت‌گوها و دیدگاه‌ها را ارایه می‌کند. بیشتر افراد شبکه صدای آمریکا VOA به آن‌چه که می‌گویند اعتقاد دارند. این به‌خاطر آن است که کسانی که به آن چیزها باور ندارند، به‌طور معمول نمی‌توانند به آن راه یابند. افرادی نیز که به

آن گفته‌ها باور ندارند، خود را تطبیق داده، مطیع و فرمان‌بردار هستند و ارزش‌های جاری را پذیرفته‌اند!»

جنبش کارگری و مردم تحت‌ستم باید به داند شبکه‌هایی مانند VOA آمریکا و ZDF آلمان تنها در راستای خواست‌های دولت کشور خود حرکت می‌کنند! در نتیجه صدای آمریکا همان‌قدر عشق به دموکراسی و حقوق بشر دارد که کاخ سفید دارد! افرادی نیز که در آن شبکه‌ها کار می‌کنند، استقلال حرفه‌ای نداشته و محدودیت‌های افزایش‌یابنده (حتی در اطلاع‌رسانی) را پذیرفته‌اند! در این‌جا است که اهمیت آموزش و آگاه کردن مردم حس می‌شود. بخش فارسی تلویزیون VOA عزم خود را جزم کرده تا به‌روی داده‌های جامعه ایران به‌نفع دولت خود اثر گذارد! دولت ایران نیز عزم خود را جزم کرده تا برنامه هسته‌ای و بررسی واقعه هولوکاست را در بالای اولویت‌های خود قرار داده و از آن جهت بسیج کردن حمایت‌های لازم مردمی جهت شرکت در تظاهرات و انتخابات و... استفاده کند! باید فعالین کارگری و سیاسی تلاش خود را جهت عدم شرکت مردم تحت‌ستم و جنبش کارگری در این بازی‌ها بیش از پیش کنند!

بارها در بحث‌های مختلف یادآوری کردم: تا زمانی‌که کارگران و مردم نیاموزند منافع طبقاتی این یا آن گروه را در پشت عبارات اخلاقی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی و وعده‌های آن‌ها جستجو کنند، در سیاست همواره قربانیان فریب و خود فریبی خواهند بود! همواره مدعیان آرمان، علایق اقتصادی و اجتماعی خود را در پس این ادعاها پنهان می‌کنند. موثرترین سلاح، فهم حقیقت است، که با برداشتن حجاب توهمات و برانگیختن احساس نیاز به واقعیت و حقیقت بر مردم، به دست می‌آید. با توجه به این‌که می‌دانیم

که اخلاق و ایدئولوژی نیز ربنایی برای زیربنای اجتماعی - اقتصادی است، باید تلاشمان را جهت برانگیختن احساس نیاز مردم به واقعیت و حقیقت بیشتر کنیم.

زیرنویس:

- امروز لازم است که این زیرنویس به مقاله اضافه گردد: با توجه به تلاش دولت چک هم جدیدترین نظر سنجی ها نشان می دهد که ۷۵ درصد از مردم جمهوری چک با استقرار پایگاه راداری آمریکا در کشورشان مخالفند! پس از آن و در روزهای گذشته دولت ایران چندین موشک میان برد و کوتاه برد را آزمایش کرد! با توجه به این که همگی می دانند که ایران در مورد قابلیت های موشکی خود اغراق می کند و آن ها همان موشک هایی هستند که در سال ۱۹۹۸ آزمایش شدند و حداکثر تا ۱۲۰۰ کیلومتر برد دارند، اما منابع امنیتی ایالات متحده اعلام می کنند که ایران تا سال ۲۰۱۵ قادر به داشتن موشک های بالیستیکی خواهد شد که می توانند تا شهرهای نیویورک و واشنگتن برد داشته باشند! سپاه پاسداران نیز با هدف بزرگماتی توان موشکی خود، صحنه ی پرتاب موشک را دستکاری کرده است تا عمل نکردن یکی از موشک ها را از تصویر حذف کند!

- روزنامه والستریت جورنال دهم ژوئیه در سرمقاله خود نوشت: «درست یک روز پس از آن که کاندالیزا رایس در شهر پراگ قراردادی را امضاء کرد که می تواند نخستین گام برای حفظ اروپا در برابر یک تهاجم موشکی باشد، شاهد "از راه رسید" شاهدهی که نشان می دهد تا چه اندازه این سیستم دفاعی ضرورت دارد. آزمایش موشک هایی که تعدادی از آن ها می تواند جنوب

اروپا، اسرائیل و سربازان آمریکایی در خاورمیانه را هدف قرار دهد،
"یادآوری به‌جایی" بود ... به ما خاطرنشان کن ایران! چه کسی ادعا
می‌کند ایران تهدیدی به شمار نمی‌رود؟»

- ولت آنلین چنین نوشت: «با توجه به آزمایش موشکی ایران، دیگر
ایده‌ی استقرار سیستم دفاع ضد موشکی علیه حمله‌ی غیر مترقبه‌ی احتمالی
این کشور به اروپا، بی‌معنا نیست.»

- هفته نامه آلمانی دی تسایت در بخش آنلین خود نوشت: «هیچ‌کس اما
نباید در این شک داشته باشد که اسرائیل می‌خواهد در سایه بمب اتمی
ایران زندگی کند. به‌قول داوید هورویتز از روزنامه اروشلیم پست: پس از
هولوکاست به این‌جا آمدیم تا اکنون با یک بمب از صفحه روزگار محو
شویم؟»

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری